

دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال سبت ویم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۷۲)

۷۲



- تصحیح و توضیح مصرع‌های از داستان رستم و سهراب / سجّاد آیدنلو / ۵
- اندر اوصاف فرهنگ کهن «قانون ادب» و تصحیح آن / گلپز نصری و هانیه دهقانی محمدآبادی / ۳۵
- جست‌وجوی خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه در «کتاب التوحید» ... / حنّانه سادات زهرائی و مهدی مجتهدی / ۶۷
- آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران / محمدرضا غیاثیان و میترا رضایی / ۹۱
- نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسری» / اکبر حیدریان / ۱۰۹
- نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه‌شعوب فردوسی ... / محمدصادق خاتمی و نجف جوکار / ۱۲۷
- پژوهشی درباره کهن‌ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف» / سجّاد حبیبی و هادی نصیری / ۱۴۹
- جُستاری در هویت «شیخ بحر پارس» / سید محمد مهدی جعفری طبری شیاده / ۱۷۳
- ووستنفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابومخنف / انیس وحید / ۱۸۱
- بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند / فاطمه فیاض / ۲۰۱



شماره استاندارد بین‌المللی
۱۵۶۱-۹۴۰۰

آینه میراث

دوفصل‌نامه علمی ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال بیست‌ویکم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۷۲)
دارای مجوز علمی - پژوهشی به استناد نامه ۳/۱۸/۴۴۱۴۶ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۸
از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
مدیر مسئول: اکبر ایرانی
سرمدیر: مجدالدین کیوانی
مدیر داخلی: یونس تسلیمی‌پاک

هیئت تحریریه

محمدعلی آذرشب (استاد دانشگاه تهران)، نجفقلی حبیبی (دانشیار دانشگاه تهران)، اصغر دادبه (استاد دانشگاه علامه طباطبائی)، علی رواقی (استاد دانشگاه تهران)، علی‌اشرف صادقی (استاد دانشگاه تهران)، حامد صدقی (استاد دانشگاه خوارزمی)، منصور صفت‌گل (استاد دانشگاه تهران)، محمود عابدی (استاد دانشگاه خوارزمی)، حبیب‌الله عظیمی (استادیار پژوهشی کتابخانه ملی)

مشاوران علمی

سیدعلی آل‌داود، پرویز اذکابی، محمود امیدسالار (آمریکا)، اکبر ثبوت، جمیل رجب (کانادا)، هاشم رجب‌زاده (ژاپن)، محمد روشن، فرانسیس ریشار (فرانسه)، پاول لوفت (انگلستان)، عارف نوشاهی (پاکستان)، یان یوست ویتکام (هلند)

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ: میراث

* این مجله در پایگاه مجلات تخصصی نورمگز (www.noormags.ir)، بانک اطلاعات نشریات کشور (www.magiran.ir)، پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا (www.islamicdatabank.com)، پایگاه مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (www.ricet.ac.ir)، و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (www.isc.gov.ir) نمایه می‌شود.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه ۲، واحد ۹

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۰۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۰۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

سامانه ارسال مقالات: www.am-journal.ir

ایمیل نشریه: ayenemiras@mirasmaktoob.ir

بها: ۷۰۰۰۰ تومان

فهرست

- تصحیح و توضیح مصرعی از داستان رستم و سهراب/ سجّاد آیدیلو ۵
- اندر اوصاف فرهنگ کهن «قانون ادب» و تصحیح آن/ گلبر نصری و هانیه دهقانی محمدآبادی ۳۵
- جست‌وجوی خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه در «کتاب التوحید».../ حنّانه سادات زهرانی و مهدی مجتهدی ۶۷
- آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران/ محمدرضا غیاثیان و میترا رضایی ۹۱
- نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسرّی»/ اکبر حیدریان ۱۰۹
- نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه‌شعیب فردوسی.../ محمدصادق خاتمی و نجف جوکار ۱۲۷
- پژوهشی درباره کهن‌ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف»/ سجّاد حبیبی و هادی نصیری ۱۴۹
- جستاری در هویت «شیخ بحر پارس»/ سید محمد مهدی جعفری طبری شیاده ۱۷۳
- ووستفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابو مخنف/ انیس وحید ۱۸۱
- بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند/ فاطمه فیاض ۲۰۱
- چکیده انگلیسی/ مجدالدین کیوانی 3

آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران: مطالعه موردی بینامتنیت در هنر اسلامی

محمد رضا غیاثیان*

میترا رضایی**

چکیده

یکی از پدیده‌های چشمگیر در پژوهش‌های تاریخ هنر ایران، ظهور مفهوم «رویکرد» از حدود سال ۱۳۹۰ش است که پژوهشگران را ملزم به کار بر اساس یکی از نظریه‌های فلسفی غربی می‌کند، در حالی که غریبان علی‌رغم سابقه بسیار بیشتر در مطالعات هنر اسلامی، به جز موارد خاص، هیچ‌گاه آثار هنر اسلامی متعلق به صدها سال پیش را از دریچه تفکر فلاسفه معاصر نگاه نکرده‌اند. مقاله حاضر به دنبال کشف ریشه‌های شکل‌گیری این نگرش در مقالات دانشگاهی ایران، علت رواج فزاینده «رویکرد»، و تحلیل میزان کارایی آن است. به دلیل تنوع زیاد رویکردها و طیف وسیع موضوعات هنری، میزان کارایی بینامتنیت و نظریه‌های مشابه در تحلیل آثار هنر اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که نتایج این قبیل مقاله‌ها چندان کمکی به شناخت آثار هنری و عوامل مرتبط با آن نمی‌کنند و بیشتر جنبه آموزش یا توضیح دوباره نظریه بینامتنیت با ذکر مثال را دارند. به همین سبب، مخاطب مجذوب آن‌ها نمی‌شود و با هیچ کشف جدیدی در حوزه تاریخ فرهنگ و هنر که مرزهای دانش را جلو ببرد همگام نیست.

کلیدواژه‌ها: هنر اسلامی، آسیب‌شناسی، مقالات علمی - پژوهشی، رویکرد، بینامتنیت، ژنت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۶

* دانشیار گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)

mrgh73@yahoo.com

** دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی، دانشگاه کاشان / mit.reart@yahoo.com

مقدمه

اولین مجله‌ای که در ایران حجم زیادی از مقالات هنری را منتشر کرد ماهنامه هنر و مردم بود. این مجله در سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۵۸ش با انتشار هزار و هفتصد مقاله، مصاحبه و گزارش در ۱۹۳ شماره به تاریخ هنر، ادبیات، باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، آیین‌ها، معرفی هنرمندان، آثار هنری، بناها و غیره پرداخت. اگرچه این مجله نقش مهمی در شناساندن فرهنگ و هنر داشت، مقالات آن بیشتر جنبه توصیفی دارد و چندان مشابه ساختار مقالات علمی امروزی نیست. معمولاً مقالات آن با مقدمه‌ای چندسطری آغاز می‌شوند و خبری از پرسش، پیشینه، نتیجه‌گیری و منابع تفصیلی نیست. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه هنر با ساختاری مشابه منتشر شد. اولین نشریه دانشگاهی در حوزه هنر، نشریه هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود که در سال ۱۳۷۴ش آغاز به کار کرد. با گسترش آموزش عالی و افزایش شمار دانشجویان تحصیلات تکمیلی در یکی دو دهه اخیر، مجلات بسیاری توسط دانشگاه‌های مختلف راه‌اندازی شد.^۱ این مجله‌ها ساختارهای علمی دارند و نویسندگان را ملزم به درج بخش‌هایی از قبیل چکیده، واژگان کلیدی، مقدمه، پیشینه و روش تحقیق، بحث، نتیجه‌گیری و فهرست منابع می‌کنند. این بخش‌ها کم و بیش در ساختار مجلات غربی نیز وجود دارد، با این تفاوت که روش تحقیق در مقالات هنری ایران بیشتر برگرفته از علوم اجتماعی است.

پاره‌ای از الزامات روش تحقیق در مقاله‌نویسی و نگارش پایان، که به مرور زمان در برخی از مجامع دانشگاهی ایران مرسوم شده، در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا وجود ندارد. به‌عنوان مثال، پیشینه‌نویسی‌های مفصل و اختصاص یک فصل از پایان‌نامه‌ها به کلیات تحقیق به آماس مطالب می‌انجامد. با توجه به اینکه «مطالعه کتابخانه‌ای» جزو جدایی‌ناپذیر علوم انسانی است، الزام درج این عبارت است نیز منطقی نمی‌نماید. الزامات

۱. برای اینکه تصویری از میزان رشد نشریات علمی در کشور داشته باشیم، می‌توان به آماری از تعداد مجلات پژوهشی و ترویجی ثبت شده در حوزه علوم انسانی دقت کرد. تعداد این مجلات از دهه ۱۳۷۰، به ۴۸۰ در سال ۱۳۹۱ رسیده است. به عبارت دیگر «طی دو دهه ۴۸۰۰ درصد رشد داشته است» (روحانی، ۱۳۹۱: ۲۳).

متعدد دیگری نیز مانند نوشتن پرسش‌های تحقیق با جملات سوالی و یا درج توأم پرسش و فرضیه وجود دارد. در مقایسه با مجلات معتبر خارجی،^۱ یکی از نکات متمایز در مقالات پژوهش هنری ایران، ظهور پدیده «رویگرد» از حدود سال ۱۳۹۰ ش است. به اقتضای این نکته، بیشتر داوران مقالات یا پایان‌نامه‌ها، نویسندگان یا دانشجویان را ملزم به استفاده از یکی از نظریه‌های فلسفی غربی می‌کنند. در چنین تحقیقاتی، موضوعی خاص (مثلاً درباره نگارگری ایران) انتخاب و با عینک آن نظریه بدان پرداخته می‌شود. این ماجرا محدود به حوزه پژوهش هنر نبوده و به‌طور گسترده‌ای به سایر شاخه‌های علوم انسانی، به‌ویژه ادبیات، نیز سرایت کرده است.

این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی مربوط به ریشه‌های شکل‌گیری این نگرش در مقالات آکادمیک ایران، دلیل رواج فزاینده «رویگرد» و تحلیل میزان کارایی آن است. به دلیل تنوع زیاد رویکردها و طیف وسیع موضوعات مقالات، فقط یکی از این رویکردها (یعنی بینامتنیت و نظریه‌های مشابه که بیشترین فراوانی را دارند) انتخاب شده است. از آنجا که این رویکرد بر طیف وسیعی از موضوعات هنری، ادبی و حتی علوم قرآنی اعمال شده است، در این نوشته فقط مقالات مرتبط با هنر اسلامی ایران در کانون توجه‌اند. برای انجام این تحقیق، مقالات تاکنون نشریافته در یازده نشریه دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفت. در این میان، ۲۸ مقاله در ارتباط با هنر اسلامی یافت شد که صرفاً در عنوان آن‌ها کلماتی مانند «بینامتنی»، «بیش‌متنی» و «ژنت» آمده است. بدیهی است که با در نظر گرفتن محتوای سایر مقالات و یا بزرگ‌تر کردن حجم آمارها، شمار این مقالات می‌تواند افزایش یابد.

هم‌زمان با افزایش مقاله‌نویسی و گسترش مقالات علمی - پژوهشی، پژوهشگرانی نیز به آسیب‌های مربوط به پژوهش‌ها و مقالات به‌ظاهر علمی یا «(نا)علمی - پژوهشی»

۱. منظور از مجلات معتبر، آنهایی است که پژوهش‌های محققان سرشناس را منتشر می‌کنند و بیشتر آنها به دلیل سابقه و اعتبارشان نیازی به نمایه شدن در ISI و Scopus و غیره نداشته‌اند. برخی از آنها را که به نشر مطالعات هنر

اسلامی می‌پردازند می‌توان نام برد:

Muqarnas; *IRAN (Journal of the British Institute of Persian Studies)*; *Iranian Studies*; *Persica*; *Kunst des Orients*; *Ars Islamica*; *Ars Orientalis*; *Atribus Asiae*; *Journal of Islamic Architecture*; *Journal of Art Historiography*; *Journal of Islamic Manuscripts*; *Manuscript Cultures*.

پرداخته‌اند. آنان به معضلاتی مانند تلاش برای چاپ مقاله ISI و نگاه کمی و ظاهری به علم اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال، رضا داوری اردکانی (۱۳۸۶) از مقدم دانستن «تکثیر و ازدیاد تعداد مقالات» بر توسعه علم انتقاد کرده است. به‌طور مشابه، حسین لطف‌آبادی (۱۳۸۶) به «کاستی‌های معرفت‌شناسی و روش‌شناسی» در مقالات حوزه روانشناسی پرداخته و سپید روحانی (۱۳۹۱) «سیطره کمیّت بر علم» در مجلات علمی - پژوهشی حوزه تاریخ را بحث کرده است. علی صلح‌جو در مقاله «مقاله‌نویسی فرمالیستی» توجه به قالب صرف در بیشتر مجلات به اصطلاح دانشگاهی و غفلت از محتوا را تذکر داده و آن‌ها را مصداق واقعی «آفتابه‌لگن هفت دست» خوانده است. به نظر او، برخی نویسندگان مقالات دانشگاهی برای رسیدن به نشر عالمانه از نشر ساده و شفاف دور می‌شوند. او این شیوه را «آکادمیک‌نمایی» می‌نامد (صلح‌جو، ۱۳۸۷: ۵۵-۶۲).

یکی از دقیق‌ترین پژوهش‌هایی که به آسیب‌شناسی این حوزه پرداخته، مقاله «فربهی یا آماس: تحلیل ساختار مقالات (نا)علمی - پژوهشی در علوم انسانی» از سیدحسین اسلامی اردکانی است. او بخش قابل توجهی از مقالات علمی - پژوهشی را چون جنینی می‌داند که «مرده زاده شده است و به محض تولد باید دفنش کرد» (اسلامی اردکانی، ۱۳۹۲: ۹۲). او با «ناعلمی - پژوهشی» خواندن این مقالات، شش ویژگی برای آن‌ها برمی‌شمارد: «عنوان‌های کلی، سلطه منطق کولاژ، استفاده نادرست از منابع، گسست از جامعه علمی، غیاب نویسنده، و پرهیز از داوری» (همان: ۹۷-۱۱۵). علی‌رغم گذشت ده سال از زمان انتشار آن مقاله، هنوز همان ویژگی‌ها در بسیاری از مقالات دیده می‌شود و بنای مقاله حاضر تکرار آن‌ها نیست، بلکه به آفت «رویگرد» در بخش قابل توجهی از این مقالات پرداخته است.

رویکردها در مقالات

معرفی و استفاده فزاینده از رویکردها، در مباحث مختلف ادبی و هنری به‌ویژه مباحث مربوط به هنر ایران، شاید ناشی از توجه استادانی است که در این حوزه شروع به پژوهش کردند و سرمشقی برای شاگردان خود شدند. از جمله بهمن نامور مطلق که از اواخر دهه

۱۳۸۰ به بعد کتاب‌ها و مقالات متعددی دربارهٔ بینامتنیت و نظریهٔ ژرار ژنت^۱ نوشته یا ترجمه کرده است. تا حدودی نقش مؤسسهٔ پژوهشی حکمت و فلسفهٔ ایران را نیز نباید نادیده گرفت. در نشریهٔ این مؤسسه، جاویدان خرد، نیز کاربرد مستمر رویکردها از سال ۱۳۹۱ آغاز شده است. این مؤسسه که در سال ۱۳۵۳ ش به همت سیدحسین نصر تأسیس شده، اهدافی چون احیاء تدریس فلسفه اسلامی، تطبیق فلسفهٔ شرق و غرب و آشنا ساختن فلسفهٔ جدید منطبق با دیدگاه اسلامی داشته است.

با مروری بر مقالات دانشگاهی ایران در حوزهٔ هنر و ادبیات، این نکته آشکار می‌شود که از اوایل دههٔ ۱۳۹۰ موج جدیدی از مقاله‌نویسی با تکیه بر آراء فلاسفه غربی و رویکردی فلسفی آغاز شده است. در این مقالات، موضوعات مختلف که لزوماً ارتباطی با رویکردهای مذکور ندارند، بررسی شده است و هرچه جلوتر می‌رویم بر تعداد این دست مقالات افزوده می‌شود. از جملهٔ رویکردهای مطرح شده در مقالات به این موارد می‌توان اشاره کرد: اسطوره‌سنجی ژیلبر دوران، مفهوم قدرت فوکو، رویکرد نظریهٔ داده‌بنیاد، ادراک دیداری گشتالت، شمایل‌شناسی اروین پانوفسکی، زیبایی‌شناسی تکاملی داتن، رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی، نشانه‌شناسی لایه‌ای، نظریهٔ بازتاب فرهنگی، استعارهٔ مفهومی لیکاف و جانسون، رویکرد شرق‌شناسانهٔ ادوارد سعید، روایت‌شناسی و بینامتنیت ژرار ژنت، کارکردگرایی مالینوفسکی، نظریهٔ کارناوال باختین، سپهر نشانه‌ای یوری لوتمان، ادراک دیداری ارنست هانس جوزف گامبریچ، نظریهٔ هرمنوتیک فلسفی گادامر، ناخودآگاه جمعی کارل گوستاو یونگ، نظریهٔ ژیلبر دوران، نظریهٔ هرمنوتیک پل ریکور، نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو، رویکرد معناشناسی دیداری، نظریهٔ ایدئولوژی لویی آلتوسر، رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی تدا اسکاچپول و ده‌ها نظریهٔ دیگر.

ماجرای محدود به مقالات نیست و به‌طور گسترده‌تر در پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها نیز به چشم می‌آید. به‌عنوان مثال، امروزه اگر یک دانشجوی دکترا در یکی از دانشگاه‌های تهران بخواهد رساله‌ای دربارهٔ نگاره‌های مسالک و ممالک اصطخری بنویسد احتمالاً مجبور است آن را بر

1. Gèrard Genette.

اساس یکی از «رویکرد»ها بنویسد تا داوران آن را تأیید کنند. بنابراین با راهنمایی استاد، «نگاره‌های مسالک و ممالک» را در فرمولی مشابه فرمول زیر وارد می‌کند تا «عنوان رساله متناسب با مقطع دکتری» شود: «بررسی جایگاه ... مبتنی بر رویکرد ... از منظر ... با تأکید بر ... و ...».

در دانشگاه‌های معتبر اروپایی و آمریکایی چنین داستانی وجود ندارد و عنوان کتاب یا پایان‌نامه را همان «نگاره‌های مسالک و ممالک اصطخری» می‌گذارند. غریبان علی‌رغم سابقه بسیار بیشتر در مطالعات هنر اسلامی،^۱ به جز موارد خاص، هیچ‌گاه آثار هنر اسلامی متعلق به صدها سال پیش را از دریچه تفکر فلاسفه معاصر ندیده‌اند.

برای درک بهتر مطلب، مقالات نشریافته در یازده نشریه دانشگاهی (هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، مبانی نظری هنرهای تجسمی، کاشان‌شناسی، نگره، پژوهش هنر، زن در فرهنگ و هنر، مطالعات تطبیقی هنر، نگارینه هنر اسلامی، جلوه هنر، هنرهای صناعی اسلامی و رهپویه هنرهای صناعی) بررسی شد. مقالاتی که فقط در این یازده نشریه تا تیرماه ۱۴۰۲ با کاربست «رویکرد بینامتنیت و یا ترامتنیت» به تحلیل آثار هنر اسلامی ایران پرداخته‌اند (۲۸ مقاله به ترتیب تاریخی) بدین شرح است:

- «مطالعه تطبیقی دو نقاشی از زنان دوره قاجار با رویکرد بینامتنیت»؛
- «مطالعه زبان و بیان در پیکره سفالی طغرل‌بیک سلجوقی با رویکردی بینامتنی»؛
- «تطبیق عنصر نوشتار و تصویر در شاهنامه بایسنقری کاخ موزه گلستان با تکیه بر رویکرد بینامتنیت»؛
- «خوانش بیش‌متنی چهار اثر برگزیده تصویرسازی کلودیا پالماروسی با پیش‌متن‌هایی از نقاشی ایرانی»؛
- «بازنمایی زال، کودکی اسطوره‌ای در نگاره‌ای از شاهنامه شاه طهماسبی با استفاده از رویکرد بینامتنیت»؛
- «بررسی و تحلیل عناصر بصری قالیچه جانمازی صفوی بر اساس آراء ژرار ژنت»؛
- «تحلیل بینامتنی متن و نگاره‌های نسخه خطی ۹۹۶ هـ. دیوان جیبی اکبرشاه»؛

۱. برای پیشینه شکل‌گیری مطالعات هنر اسلامی در دنیای غرب، نک. غیاثیان، ۱۴۰۱.

- «واکاوی نگاره معراج پیامبر اکرم^(ص) در نسخه خطی هفت‌اورنگ جامی گالری فریر با رویکرد بینامتنیت ژرار ژنت»؛
- «تداوم رابطه نماد و نوشتار در هنرهای اسلامی و گرافیک معاصر ایران با تمرکز بر نظریه بینامتنیت ژنت»؛
- «برگرفتنی‌های نو از نگارگری در دو اثر یعقوب امدادیان بر مبنای جایگشت ژنت»؛
- «معراج سلطان محمد و برگرفتنی آن در سه نقاشی معاصر ایران با رویکرد بیش‌متنیت ژنت»؛
- «خوانش روابط بیش‌متنی در قالی ایلام با تکیه بر آراء ژرار ژنت»؛
- «مقایسه نقاشی بقاع متبرکه گیلان و نقاشی پشت شیشه (زند و قاجار) بر مبنای نظریه ژنت با تاکید بر همانگونگی»؛
- «مطالعه بینامتنی قالیچه داستانی حضرت سلیمان و ملکه سبا»؛
- «خوانش بیش‌متنی از جایگاه حیوانات در نگاره‌های نبرد رخس و شیر در قرن دهم هجری»؛
- «تبیین تأثیرات هنر سنتی چینی بر فرش شکارگاهی منتسب به کاشان دوره صفوی موزه متروپولیتن مبتنی بر رویکرد بینامتنی از منظر ژنت»؛
- «اقتباس و برگرفتنی بینافرهنگی در دو نسخه تصویرسازی‌شده از داستان هفتواد و کرم با استفاده از نظریه ترامتنیت ژرار ژنت»؛
- «خوانش بینامتنی دیوارنگاری‌های لاجوردی‌فام خانه حقیقی اصفهان با سفالینه‌های آبی سفید اروپایی»؛
- «مطالعه بینامتنی نقش "رویاریبی سیمرخ و ارقم" قالی بازوبندی عصر صفوی (محفوظ در موزه متروپولیتن) مبتنی بر ابعاد برگرفتنی از "سام‌نامه"»؛
- «تحلیل نگاره به‌بندکشیدن ضحاک در شاهنامه طهماسبی و رشیدا بر اساس رویکرد روایت‌شناسی ژرار ژنت»؛
- «تحلیل پیرامتنی امضاء "اسدالله اصفهانی" بر شمشیرهای عصر صفویه»؛
- «بررسی رابطه بیش‌متنی نقش عقاب دو سر در دوران آل بویه و ساسانی»؛
- «خوانش بیش‌متنی نگاره مثنی برداری‌شده "نقاش نشسته" کمال‌الدین بهزاد (فریر، 32.28) از نقاشی "کاتب نشسته" جنتیله بلینی (گاردنر، P15e8)»؛

- «خوانش آثار پیکرنگاری مهرعلی، نقاش دوره قاجار، با رویکرد ترامتیت ژرار ژنت»؛
- «اقتباس و برگزینی در نسخه‌های عبری و فارسی دوره صفوی با رویکرد ترامتیت ژرار ژنت: مطالعه موردی بهرام‌نامه (۱۱۱۲ ه.ق) و هفت‌پیکر (۱۰۷۶ ه.ق)»؛
- «مطالعه مفهوم اعتدال در نگاره "مرد شهری و روستایی" در سبحة الابرار جامی با رویکرد ترامتیت ژرار ژنت»؛
- «تحلیل نگاره صحرائی محشر فالنامه طهماسبی در تطبیق با نقاشی داوری اخروی فرا آنجلیکو بر مبنای رویکرد بیش‌متنتیت ژرار ژنت»؛
- «خوانش بیش‌متنی عناصر نوشتاری در قالیچه محرابی موزه دفینه».

معرفی چند مقاله رویکردگرا

معرفی و تحلیل تمام ۲۸ مقاله نه ضرورت دارد و نه در حجم این مقاله می‌گنجد. از آنجا که این مقالات ساختارهای مشابهی دارند، بررسی چند نمونه می‌تواند برای شناخت آنها کافی باشد. یکی از اولین نمونه‌ها، مقاله سه صفحه‌ای «شاهنامه فردوسی پیش‌متن سترگ شاهنامه شاه طهماسب (بر بنیاد نظریه ترامتیت ژنت)» نوشته مینا بهنام است که به «حضور پررنگ شاهنامه در لابه‌لای نگاره‌های شاهنامه طهماسبی به‌عنوان یکی از زیباترین آلبوم‌های [!] مصور جهان» می‌پردازد (بهنام، ۱۳۸۸: ۳۰-۳۲). اما از اواخر دهه ۱۳۹۰ش به بعد، مقالات مفصل علمی - پژوهشی با این رویکرد در مجلات دانشگاهی انتشار یافت که در ادامه شش نمونه از آنها معرفی می‌شوند.

۱. «واکاوی نگاره معراج پیامبر اکرم (ص) در نسخه خطی هفت‌اورنگ جامی گالری فریر با رویکرد بینامتیت ژرار ژنت» (شایان سرشت و همکاران، ۱۳۹۹)
- پس از مقدمه، پیشینه بسیار مفصلی از مطالب نوشته شده درباره «هفت‌اورنگ» و نیز «بینامتیت» آمده است. جنبه نوآورانه مقاله این بوده است که تاکنون پژوهشی درباره «شعر جامی و نگاره آن با استفاده از روش تحلیل بیش‌متنی انجام پذیرفته است» (همان: ۷). بنابراین، همین نوآوری می‌تواند جوازی برای انتشار هزاران مقاله به اصطلاح علمی دیگر درباره نگاره‌های سایر نسخ خطی با استفاده از همین بینامتیت باشد. پس از پیشینه، مطالب

بدیهی و گردآوری شده درباره ارتباط ادبیات و نقاشی آمده و سپس ۲۵ درصد از حجم مقاله به توضیح نظریه بینامتنیت (فقط با ارجاع به نامور مطلق) اختصاص یافته است. تیرهای بعدی مطالب پراکنده‌ای درباره هفت‌اورنگ، معراج و نگاره‌های آن دارد و نهایتاً در ذیل تیر «همانگونه‌ی‌های شعر و نگاره» ابیاتی از جامی در توصیف معراج با اجزای تصویر مقایسه شده است. بر اساس نظر نویسندگان، با توجه به مصرع «همه روشنان دیده در هم زده» چهره‌های خندان برای فرشتگان ترسیم شده است. نکته مغفول‌مانده این است که نگارگر آن زمان چهره‌های خندان و گریان نمی‌کشیده بلکه بر اساس سنت‌هایی که از قدما فراگرفته بود کار می‌کرده است. دیگر اینکه بر اساس شعر، پیامبر «چو برگ سمن بر نسیم بهار» سوار بر براق ترسیم شده است! سپس یک تصویر به اصطلاح آنالیز هم از نگاره آورده شده که بر آن خطوط مورب و دایره و بیضی کشیده‌اند. جدولی هم ترسیم شده و مطالب متن بار دیگر در جدول آمده و نتیجه‌گیری این بوده است که نگاره معراج «با تکیه بر پیوند شعر و نقاشی و نگارگری ایرانی و بیش‌متنیت ژنت، بیشترین تراکونگی را دارا می‌باشد» (همان: ۱۶).

نکته قابل تأمل در این مقاله این است که در آن، شش مرتبه نظر «نگارنده» و نه «نگارندگان» مطرح شده و احتمالاً حکایت از یک کار دانشجویی بدون نظارت جدی استاد(ان) دارد. دانستن نکته‌ای که بر نسخه‌شناسان پوشیده نیست می‌تواند بنیان مقاله فوق را ویران کند. معمولاً نگاره‌های معراج در ابتدای بسیاری از نسخ خطی سده‌های میانه درج می‌شدند و نه لزوماً بر پایه متن آن کتاب‌ها، بلکه بر اساس الگوهای تصویری در دسترس نگارگر اجرا می‌شدند. کریستین گروبر^۱ درباره نگاره‌های معراج ده‌ها کتاب و مقاله دارد و در آن‌ها به تفصیل بحث کرده است، اما نویسنده(گان) مقاله فوق از آن‌ها بی‌اطلاع بوده‌اند.

۲. «تحلیل بینامتنی متن و نگاره‌های نسخه خطی ۹۹۶ ه.ق. دیوان حبیبی اکبرشاه» (مایلی برجلویی و علی محمدی اردکانی، ۱۳۹۸)

تنها پرسش این مقاله سرشار از مشکلات ویراستاری این است که «تحلیل بینامتنی چگونه می‌تواند موثر در بازشناسی نگاره‌های دیوان حبیبی [! حبیبی] اکبرشاه باشد؟» (همان: ۵).

1. Christiane Gruber.

پس از یک مقدمه کوتاه و توضیحات تکراری بینامتنیت، پیشینه‌ای مبسوط از آنچه نویسندگان درباره نقاشی مغولان هند می‌شناختند آمده است. بخش عمده این پیشینه به ذکر نام استاد راهنمای فلان پایان‌نامه یا نام مترجم آن کتاب و نام فصول کتاب‌ها اختصاص دارد. بی‌دقتی‌های بی‌شمار در متن آزردهنده است. به‌عنوان نمونه، کتاب معروف آنه‌ماری شیمیل و استورات کری‌ولش (دیوان انوری: کتاب جیبی اکبر) نوشته «شیملو کری ولش» معرفی شده و چهار سطر پایین‌تر، نام نویسنده «ویلچ» ثبت شده است (همان: ۸). در میان خیل کلمات آشفته می‌توان به بینامتنیت، کلامیاست، تابخانه، برسرابطه و غیره اشاره نمود. پس از پیشینه، مطالبی درباره گورکانیان و دیوان اکبر گردآوری شده است و سپس نوبت تحلیل نگاره‌ها می‌شود. در نگاره اول از آنجا که بر اساس متن «معشوق نیمه‌شب می‌آید»، نگارگر چراغی در تصویر کشیده تا «فضای تاریک و روشن شب را القا کند» و بنابراین رابطه بینامتنیت برقرار شده است. همچنین از آنجا که این تصویر ویژگی‌های نگارگری مغولان را دارد، «میان این نگاره با سبک نگارگری مغول رابطه سرمنیت برقرار است» (همان: ۱۰). به سیاقی مشابه، سیزده نگاره مورد بررسی قرار گرفته و جدولی هم آورده شده که نشان‌دهنده این است که کدام نقاشی بینامتنیت صریح یا ضمنی دارد و کدام ندارد. برخلاف آنچه که در جدول آمده و دو نگاره را فاقد بینامتنیت دانسته‌اند، در نتیجه‌گیری آمده است که «تمام نگاره‌های این دیوان با متن کلامی خود رابطه بینامتنی داشتند» (همان: ۲۰).

۳. «خوانش بیش‌متنی از جایگاه حیوانات در نگاره‌های نبرد رخس و شیر در قرن دهم هجری» (افضل‌طوسی و مهاجری، ۱۴۰۰)

پس از مقدمه و توضیحات مفصل بینامتنیت، جنبه نوآورانه تحقیق چنین عنوان شده است: «چند پژوهش درباره کارکرد نظریه ژرار ژنت در نگارگری ایرانی، صورت گرفته است؛ ولی هیچ‌یک خوانشی بیش‌متنی از نبرد خوان [! خان] اول رستم ارائه نداده‌اند» (همان: ۳۹). سپس متن مبسوط و غیرضروری درباره اسب در اساطیر یونان، چین، هند و ایران باستان آمده و تصاویر آن در هنر هخامنشی و اوایل اسلامی مثال زده شده است. سپس با نقل قولی از جلال‌الدین کزازی که طبق شاهنامه، رخس حیوانی «سرخ‌رنگ با خال‌هایی پراکنده بوده»

به بررسی رنگ رخس در نگاره‌ها پرداخته است. در این مقاله به ما گفته می‌شود که اگر در نگاره‌ای رخس به رنگ سفید باشد یا رنگ چشمانش آبی باشد «رویکرد تراگونگی جابه‌جایی» دارد (همان: ۴۳). به همین گونه، شیر نیز بررسی شده و از آنجا که در یکی از نگاره‌ها مار و آهو نیز دیده می‌شود، اهمیت این دو جانور در تمدن‌های باستان به تفصیل نقل شده است! پس از درج چهار جدول، در نتیجه آمده است که «حیوانات جایگاه مهمی در ادبیات فارسی و نگارگری دارند» و «مطالعه نگاره‌های نبرد رخس و شیر نشان می‌دهد گونه‌های همانگونی و تراگونی در نگاره‌ها قابل تشخیص است» (همان: ۴۸).

۴. «اقتباس و برگرفتنی بینا فرهنگی در دو نسخه تصویرسازی شده از داستان هفتواد و کرم با استفاده از نظریه ترامنتیت ژرار ژنت» (ازهری و نامور مطلق، ۱۴۰۱)

اگرچه این مقاله از موفق‌ترین نمونه‌های مطرح شده است، نکات عجیبی نیز در آن به چشم می‌خورد که: «حضور متن و نوشتار شاهنامه فردوسی در شاهنامه طهماسبی، بینامتنیت می‌باشد. به عبارت دیگر شاهنامه طهماسبی به‌عنوان متن نوشتاری دوم، وفادارانه پیرو متن نوشتاری اول خود یعنی شاهنامه فردوسی می‌باشد اما برخی تغییرات نیز در لغات مشاهده می‌گردد» (همان: ۷۹). سپس تفاوت‌های چند کلمه در متن شاهنامه طهماسبی با شاهنامه چاپ‌شده توسط نشر قطره ذکر شده است (نام مصحح را ننوشته‌اند). این تفاوت‌ها از این قرارند: «کنون» به جای «زمن»، «دخترک» به جای «خوب‌رخ»، «آمد پدید» به جای «آکنده دید»، «آن کرم» به جای «زان سیب» (همان: ۷۹).

مشخص نیست که مراد از «شاهنامه فردوسی» چیست ولی مخاطب این متن ممکن است تصور کند که فردوسی نسخه‌ای را که به قلم خود نگاشته بوده در اختیار هنرمندان دربار شاه طهماسب قرار داده است و آن کاتبان علی‌رغم تغییر بعضی از کلمات، به آن وفادار بوده‌اند!

۵. «تطبیق عنصر نوشتار و تصویر در شاهنامه بایسنقری کاخ موزه گلستان با تکیه بر رویکرد بینامتنیت» (بیدختی و همکاران، ۱۳۹۷)

پرسش‌های این تحقیق این است که میزان تطابق اشعار و نگاره‌ها چقدر است و چه تغییراتی

در نگاره‌ها نسبت به شاهنامه وجود دارد؟ سپس بینامتنیت را «کشفی بزرگ در حوزه ادبیات و هنر» خوانده که بسیاری از پژوهشگران از آن به‌عنوان روشی تحقیقی بهره می‌برند (همان: ۷۳). پس از پیشینه مبسوط و توضیحات بینامتنیت، تصاویر دوازده نگاره از شاهنامه آمده و سپس کلیاتی درباره نگارگری تیموری و شاهنامه بایسنغری از اینجا و آنجا گردآوری شده است.^۱ توصیف‌های بدیهی و طولانی از متن و تصویر دو نگاره اول نوشته شده و از آنجا که حجم مقاله زیاده از حد می‌شده، ده نگاره بعدی را فروگذارده‌اند! سپس در جدولی با عنوان «میزان تقریبی تطبیق نگاره‌ها و اشعار» نام هر نگاره را در ردیف‌ها آورده‌اند و در صدر چهار ستون کلمات «مضمون، ساختار، عناصر و تأثیر کلی» نوشته‌اند. ۴۸ خانه جدول را به‌سادگی با کلمات «کم» و «متوسط» و «زیاد» پر کرده‌اند! با این جدول، نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که «به‌طور میانگین درجه هماهنگی بیش از حد متوسط و در اکثر موارد زیادی مشاهده می‌شود» و در نهایت اینکه «نگاره‌های این اثر یکی از شاهکارهای هنر نقاشی ایران است که با وفاداری به متن نوشتاری به تصویر درآمده و روابط بینامتنی واضح و قابل تأکید در آن‌ها بسیار است!» (همان: ۸۴-۸۵).

۶. «خوانش روابط بیش‌متنی در قالی ایلام با تکیه بر آراء ژرار ژنت» (مهرابی و قانی، ۱۴۰۰)
 نقوش انتزاعی از قبیل مربع، لوزی، دایره و غیره در فرش‌های دستبافت ایلام با نقوش برجای مانده از تمدن‌های باستانی مقایسه شده است و در غیاب متن ثبت‌شده، داده‌های بصری را به‌مثابه متن در نظر گرفته‌اند، درحالی‌که این‌گونه مطالعات باید با نگاه اسطوره‌شناختی و باستان‌شناسی بررسی شوند. همانند نمونه‌های قبلی، در اینجا نیز شاهد توضیحات مفصل بینامتنیت و جداول هستیم. تلاش نویسندگان بر این بوده که هر نقش مایه را به چیزی در زمان‌های گذشته مرتبط کنند، مثلاً نقش مایه «جامک» که به «فرم مربعی است که در چهار گوشه آن چهار فضای منفی وجود دارد» مرتبط با بنای چهارطاقی دره شهر معرفی شده و در حقیقت، آن چهارطاقی پیش‌متن این نقش مایه در قالی‌ها بوده است!

۱. از آنجاکه نام بایسنغر در متون دوره تیموری (مانند مَهر کتابخانه او، کتیبه‌های شمس‌های کتاب‌هایش، دست‌نوشته‌های برجای مانده از او، و نیز نسب‌نامه‌ها) همواره با «غ» آمده است، ضبط نام او با «ق» (بایسنقر) صحیح نیست.

(همان: ۱۱۴). یکی از دستاوردهای مقاله هم این است که «مؤلف خالق نقش مایه‌های این قالی‌ها با به‌کارگیری سه نحوه بیان جدی، طنزی و تفننی، پیشمتن‌ها را به شیوه‌هایی چون، جایگشت، پاستیش، تراوستیسمان، شارژ و فورژری در اثر خود متجلی کرده است» (همان: ۱۲۰).

بحث و تحلیل

به اذعان خود نویسندگان، جنبه نوآورانه بیشتر این مقالات آن است که اگرچه تحقیقاتی درباره آن موضوع (اغلب تکراری) انجام شده، اما تاکنون با این رویکرد بدان پرداخته نشده است. در این مقالات، معمولاً شاهد پیشینه‌های مفصل از دو گروه منابع هستیم: اول، اثر یا آثار هنری مورد بررسی؛ و دوم، منابع تقریباً ثابتی که همگان درباره آن رویکرد ذکر کرده‌اند. یکی از ویژگی‌هایی که در کارهای دانشجویی و نیز برخی از این مقالات مشاهده می‌شود این است که به جای معرفی مهم‌ترین و مرتبط‌ترین پژوهش‌ها در پیشینه، آن‌هایی ذکر می‌شوند که در جستجوی ساده یافت شده‌اند. برای مثال، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نگاره به بند کشیدن ضحاک در شاهنامه طهماسبی و رشیدا بر اساس رویکرد روایت‌شناسی ژرار ژنت» که پنج نویسنده دارد، بدون در نظر گرفتن چکیده و تصاویر، بیش از ۲۰ درصد متن اصلی مقاله از پیشینه تشکیل شده است. فقط چهارده سطر از پیشینه به معرفی مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ساختار روایت رمان آفتاب‌پرست نازنین» اختصاص دارد. در پیشینه همین مقاله، پژوهش‌های نامرتبط دیگری مانند «بررسی روایت‌شناسانه طوطی‌نامه»، «بررسی داستان شمس و قهقهه» و غیره نیز معرفی شده‌اند (طغان و همکاران، ۱۴۰۱: ۲-۳).

یکی دیگر از اجزای جدایی‌ناپذیر این‌گونه مقالات جدول است. در جداول نشان داده می‌شود که تا چه میزان بینامتنیت در موضوع مورد بررسی صدق می‌کند و کدام‌یک از گونه‌های بینامتنیت در بخش‌های مختلف موضوع مشاهده می‌شود.

۵۷ درصد مقالات مورد بررسی (۱۶ مورد) به آثار نگارگری ایران پرداخته‌اند که دلیل آن توأم بودن متن و تصویر در نسخ خطی است. به هنگام بررسی یک نسخه خطی مصور، اگر اشاره‌های مشترکی میان متن و تصویر بیابند یا نیابند، بسته به کم و زیاد بودن اشتراکات، در

هر صورت، بر آن نامی مانند «همانگونگی» یا «تراگونگی» و غیره می‌گذارند و معمولاً نتیجه محتوم چنین مقالاتی این است که «روابط بینامتنی برقرار است»، در حالی که ساده‌ترین و بدیهی‌ترین کارکرد هر تصویر در نسخه خطی «مصورسازی متن» است. مورخان هنر درباره این کارکرد بحث‌های بسیار کرده‌اند که هیچ‌کدام از نظریات آنان به مقالات «ژنتی» ایران راه نیافته است. برخی از نویسندگان این مقالات، به قدری از ارتباط بینامتنی در نسخ خطی مبهور شده‌اند که لابد انتظار داشته‌اند تصویر «ساختن کاخ خورنق» را در شاهنامه بیابند.^۱

علاوه بر این، نسخه‌شناسان می‌دانند که بسیاری از نگاره‌ها تقلیدی از آثار قدما هستند و بر اساس الگوهای در دسترس نگارگر اجرا شده‌اند. آدل آداموا به درستی نتیجه گرفته که تقلید و «تکرار ترکیب‌بندی‌ها» سنت مرسوم نقاشی سده‌های میانی در ایران بوده که احترام هنرمند به قدما و شایستگی او در قیاس با استادان گذشته را نشان می‌دهد. او به دو نتیجه مهم درباره نسخ خطی تیموری رسیده است: «اول اینکه هر کدام از نسخ خطی درباری، چند نگاره برگرفته از آثار قدیم‌تر دارد که سه فقره یا کمتر و بیشتر دقیقاً یکسان هستند. دوم اینکه همیشه در تمام این نسخه‌ها، حداقل یک یا دو نگاره وجود دارد که صحنه‌های جدید ترسیم کرده‌اند» (Adamova, 1992: 72-74). بنابراین وقتی نویسندگان مقاله‌ای ندانند که نگاره «نبرد اسفندیار و گرگ‌ها [و نه گرگ‌ها]» در شاهنامه بایسنغری تقلیدی از نگاره‌ای قدیم‌تر در یک مرقع در کتابخانه کاخ توپقاپی (خزینه ۲۱۵۳، گ ۷۳ پ) است، نتیجه‌اش این می‌شود که در این نگاره «درجه بالایی از تطبیق نوشتار و متن قابل تأیید است» (بیدختی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۲-۸۳).

معمولاً نتایج این مقاله‌ها کمکی به شناخت آثار هنری و عوامل مرتبط با آن نمی‌کنند و بیشتر جنبه آموزش یا توضیح دوباره نظریه بینامتنیت با ذکر مثال را دارند. برای نمونه، مقاله «خوانش آثار پیکرنگاری مهرعلی، نقاش دوره قاجار، با رویکرد ترامنتیت ژرار ژنت» در

۱. ذکری از کاخ خورنق در شاهنامه فردوسی نیامده است و تصاویر آن در برخی از نسخه‌های خمسة نظامی یافت می‌شود.

حقیقت آموزش ترامتیت با مثال مهرعلی است و چنین نتیجه‌ای در برداشته است: آثار مهرعلی در بردارندهٔ سرمتن مکتب پیکرنگاری درباری قاجار است. کلیهٔ تفاسیر و نقدهای مربوط به آثار مهرعلی فرامتن‌های آثار ایشان محسوب می‌شود. همچنین کارهای تبلیغی فتحعلی‌شاه قاجار از قبیل فرستادن تابلوهای پیکرنگاری به نشانهٔ پیشکش به دربار هند و کاخ ورسای، پیرامتن آثار مهرعلی می‌باشد. بیش‌متنت آثار مهرعلی سفارش‌دهندهٔ آثار یعنی فتحعلی‌شاه قاجار و مکاتب نگارگری پیشین ایران است. همچنین خود آثار مهرعلی به عنوان بیش‌متن در آثار هنرمندان بعد از ایشان به شمار می‌آید (عزیزی، ۱۴۰۲: ۶۵).

نتیجه‌گیری

داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که مقاله‌های مبتنی بر «رویگرد» در دههٔ ۱۳۸۰ بسیار انگشت‌شمار بوده و از ابتدای دههٔ بعد به تدریج مرسوم شده و در سال‌های اخیر به شدت رواج یافته است. با بررسی عناوین مقاله‌ها، آشکار می‌شود که برای نوشتن مقاله «علمی - پژوهشی» می‌توان تمام موضوعات و مباحث را به رویکردی خاص و نظریه‌ای از پیش گفته شده مرتبط دانست. در این مقاله، رویکرد ژنتی صرفاً در مطالعات هنر اسلامی بررسی شد، اما این رویکرد در طیف وسیعی از موضوعات هنر مدرن، هنر پیش از اسلام، هنر غرب، ادبیات، فیلم، علوم قرآنی و غیره نیز به کار گرفته شده است. در بسیاری از این پژوهش‌ها یک روند تکراری با تعدادی منابع مشترک طی شده است و حتی در برخی از آن‌ها به نظریه فقط در ابتدای نوشته و در مقدمه اشاره شده و در طول «پژوهش» ردپایی از آن دیده نمی‌شود. نتایج بسیاری از این مقالات «ژنتی»، کمکی به شناخت آثار هنری و عوامل مرتبط با آن نمی‌کنند و بیشتر جنبهٔ آموزش یا توضیح دوبارهٔ این نظریه با ذکر مثال را دارند. استفاده از یک رویکرد یا نظریه برای هر موضوعی به ظاهر ممکن است و می‌توان هر اثر ادبی یا هنری را در قالب یک رویکرد خاص تحلیل کرد ولی باید دید که مسیری منطقی و اصولی را طی کرده است یا نه. این تلاش‌ها در دهه‌های اخیر برای تحلیل هنر اسلامی و قرار دادن آن در قالب و ظرفی که مربوط به آن نیست اغلب به بیراهه رفته است. هر نظریه

براساس معیارها و ساختار مربوط به حوزه‌ای شکل گرفته و مجموعه‌ای از عوامل محیطی و فرهنگی در شکل‌گیری آن نقش داشته‌است؛ چرا باید آن الگوها و اندیشه‌ها را در فضایی دیگر با فرهنگ و نحله فکری متفاوت بگنجانیم؟ در حقیقت، علم تاریخ هنر باید به آثار هنری به‌عنوان آینه‌هایی از بافت تاریخی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی زمانه خود بنگرد و منجر به کشف جدید در این حوزه‌ها شود.

این آسیب در مقالات دانشگاهی از آنجا ناشی می‌شود که نویسندگانی کم‌تجربه آن‌ها را نوشته‌اند، یعنی مقاله‌ای که یک‌صدمین مقاله در رزومه فلان استاد است، در واقع حاصل اولین تجربیات نویسندگی یک دانشجو با دانش ناکافی است. برخی از اساتید، چون آموزشگران راندگی، راندن را به دانشجویان سپرده و بر آن نام «دانشجوپروری» نهاده‌اند، ولی مسافران از طرز راندگی لذت نمی‌برند. این کم‌مایگی پژوهشی سبب می‌شود تا با «آکادمیک‌نمایی» فاضل مآبانه برای نوشتن موضوعی تکراری، دست به دامن نظریات فلسفی یا «آراء متفکران» شوند. به همین سبب، مخاطب مجذوب آن‌ها نمی‌شود و به هیچ کشف جدیدی که مرزهای دانش او را جلو ببرد دست نمی‌یابد.

منابع

- ازهری، فریبا و بهمن نامور مطلق (۱۴۰۱). «اقتباس و برگزینی بینا فرهنگی در دو نسخه تصویرسازی شده از داستان هفتواد و کرم با استفاده از نظریه ترامتیت ژرار ژنت». هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، س ۲۷ (ش ۴): ۷۵-۸۶.
- اسلامی اردکانی، سیدحسن (۱۳۹۲). «فریبهی یا آماس: تحلیل ساختار مقالات (نا)علمی - پژوهشی در علوم انسانی». روش‌شناسی علوم انسانی س ۱۹ (دوشماره: ۷۴-۷۵): ۹۱-۱۱۸.
- افضل‌طوسی، عفت‌السادات و مهدیس مهاجری (۱۴۰۰). «خوانش بیش‌متنی از جایگاه حیوانات در نگاره‌های نبرد رخس و شیر در قرن دهم هجری». نگارینه هنر اسلامی س ۸ (ش ۲۱): ۳۶-۵۱.
- بهنام، مینا (۱۳۸۸). «شاهنامه فردوسی پیش‌متن سترگ شاهنامه شاه طهماسب (بر بنیاد نظریه ترامتیت ژنت)». کتاب ماه ادبیات، ش ۱۴۷: ۳۰-۳۲.

- بیدختی، محمدعلی، مهلا نخعی و نصرالله تسلیمی (۱۳۹۷). «تطبیق عنصر نوشتار و تصویر در شاهنامه بایسنقری کاخ موزه گلستان با تکیه بر رویکرد بینامتنیت». نگارینه هنر اسلامی س ۵ (ش ۱۵): ۷۱-۸۶.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۶). «توسعه علمی یا تکثیر و ازدیاد تعداد مقالات؟ تمهید مقدمه‌ای برای تدوین سیاست علم و طراحی نقشه جامع علم کشور». نامه فرهنگستان، ش ۳۵: ۲-۸.
- روحانی، سپند (۱۳۹۱). «مجلات علمی پژوهشی تاریخ؛ سیطره کمیت بر علم». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۷۷: ۲۲-۲۷.
- شایان سرشت، اکبر، فرزانه فخر و سمیه شریفی (۱۳۹۹). «واکاوی نگاره معراج پیامبر اکرم (ص) در نسخه خطی هفت‌اورنگ جامی گالری فریر با رویکرد بینامتنیت ژرار ژنت». نگارینه هنر اسلامی، س ۷ (ش ۱۹): ۵-۱۹.
- صلح‌جو، علی (۱۳۸۷). «مقاله‌نویسی فرمالیستی». نامه فرهنگستان، ش ۳۸: ۵۵-۶۲.
- طغان، نرگس خاتون، علی‌رضا خواجه‌احمد عطاری، بهاره تقوی‌نژاد، حسن یزدان‌پناه و سعید عباسی (۱۴۰۱). «تحلیل نگاره به بند کشیدن ضحاک در شاهنامه طهماسبی و رشیدابراهیم اساس رویکرد روایت‌شناسی ژرار ژنت». مطالعات تطبیقی هنر س ۱۲ (ش ۲۳): ۱-۱۲.
- عزیزی، الناز (۱۴۰۲). «خوانش آثار پیکرنگاری مهرعلی، نقاش دوره قاجار، با رویکرد ترامتنیت ژرار ژنت». نگره س ۱۸ (ش ۶۵): ۹۳-۱۰۹.
- غیاثیان، محمدرضا (۱۴۰۱). «نقش محققان آلمانی در شکل‌گیری مطالعات هنر اسلامی». پژوهش هنر س ۱۲ (ش ۲۳): ۸۳-۹۸.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۶). «کاستی‌های معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در مقالات پژوهشی در ایران». روش‌شناسی علوم انسانی س ۱۳ (ش ۵۱): ۹-۴۴.
- مایلی‌برجلویی، نیلوفر و جواد علی‌محمدی‌اردکانی (۱۳۹۸). «تحلیل بینامتنی متن و نگاره‌های نسخه خطی ۹۹۶ هـ. دیوان جیبی اکبرشاه». نگره س ۱۴ (ش ۵۱): ۴-۲۱.
- مهرابی، فاطمه و افسانه قانی (۱۴۰۰). «خوانش روابط بیش‌متنی در قالی ایلام با تکیه بر آراء ژرار ژنت». هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی س ۲۶ (ش ۱): ۱۱۱-۱۲۱.
- Adamova, Adel (1992). "Repetition of Compositions in Manuscripts: The Khamsa of Nizami in Leningrad." In *Timurid Art and Culture: Iran and Central Asia in the Fifteenth Century*, edited by Lisa Golombek and Maria Eva Subtelny, 67-75. Leiden: E. J. Brill.

Mirror of Heritage

(Ayene-ye Miras)



Semiannual Journal of Literary and Textological Studies

New Series, Vol. 21, Issue No. 1 (72), 2023

